

طراحی با بدن

طراحی تعامل زیبایی‌شناسی تنانه

کریستینا هوک

مهدی مقیم‌ی

فروهر شاگری

زهرا شریعتی

محمدرسول شکرانی

سامان شیخی

محمد مظفری‌نژاد

عارفه واعظی





کتاب ورزش

طراحی با بدن

طراحی تعامل زیبایی‌شناسی تنانه

اثر: کریستینا هوک

ترجمه: مهدی مقیمی

فروهر شاکری

زهرا شریعتی

محمدرسول شکرانی

سامان شیخی

محمد مظفری نژاد

عارفه واعظی

ویراستار: احمد ورپشتی

طراح جلد: محمدرسول شکرانی

صفحه آرا: چاپ اول

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۴-۸۴-۳

کتابفروشی ۱۶

خیابان انقلاب،

بین خیابان فلسف،

و برادران مظفر، پلاک ۱۰۷۸

تلفن: ۶۶۹۶۵۰۱۷ (۰۲۱)

pizzabook.ir

پیتزابوک، معرفی و ارائه

کتاب‌های تخصصی دیزاین



۹ 786006 654843

کتابسرای میردشتی

ناشر همکار و مرکز توزیع

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۶۰-۲ (۰۲۱)

نمابر: ۶۶۴۹۱۹۶۸ (۰۲۱)

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه ترجمه فارسی
۱۵	پیش‌گفتار مجموعه کتاب‌ها
۲۳	مقدمه
۴۳	قدردانی
۴۷	۱ چرا به طراحی تنانه نیاز داریم؟
۸۱	بخش اول چرا
۸۳	۲ پیش‌زمینه نظری: اولویت حرکت و زیبایی‌شناسی تنانه
۱۲۹	بخش دوم چه
۱۳۱	۳ نشان دادن به‌جای روایت کردن: شش برخورد اول‌شخص با طراحی
۱۵۳	۴ زیرانداز تنانه، چراغ تنفس‌کننده، و سارکا: شرح طراحی خُسبِ حالی
۱۹۵	۵ نظریه‌ی طراحی تنانه
۲۲۷	بخش سوم چگونه
۲۲۹	۶ تعلیم مهارت‌های زیبایی‌شناختی تنانه
۲۴۳	۷ روش‌های طراحی تنانه
۲۶۹	۸ سیاست بدن
۲۹۵	۹ بیانیه‌ای برای طراحی تنانه
۳۱۱	نکات
۳۱۷	منابع

مقدمه ترجمه فارسی

تامل درباره‌ی بدن و ملاحظات فلسفی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و زیباشناختی آن، به رغم پرمایگی، آنگونه که باید هنوز حوزه‌های میان‌رشته‌ای را در بر نگرفته است. نظر به تاریخ فلسفه، البته، نشان می‌دهد که تامل راجع به تن به‌قدر تفکر بشر دیرینگی و قدمت دارد. بازتاب تن‌اندیشی و بدن‌آگاهی، اغلب در پرتو زوج‌واژه و دوگانگی ذهن-بدن فهم شده است. در دوران میتوس (Mythos) یا همان عصر اسطوری‌اندیشی، هومر بدن را سایه‌ی روح می‌دانست و اصالتی پدیدارشناسانه برای بدن قائل بود. اما در دوران لوگوس (Logos)، یعنی عصر پیش از سقراطی‌ها، ماجرا برعکس می‌شود و این بدن است که کم‌کم سایه روح قلمداد می‌شود. فلسفه‌ورزی در باب این دوگانه، بعدها در قرون وسطی جایی و سهمی در تاویل و تفسیر تثلیث پیدا می‌کند و سپس محوری اساسی برای مباحث فلسفه‌ی ذهن (Philosophy of mind) می‌شود. مباحث فلسفه ذهن، مجالست که به تدریج دانش‌های مختلف گردهم می‌آیند تا گره از فروبستگی مساله ذهن-بدن باز کنند و افق‌های جدیدی را در این حوزه بگشایند. در میان مکاتب فلسفه ذهن، یگانه‌گرایان (Monist) به اصالت بدن مادی و اینهمانی بدن و ذهن، دوگانه‌گرایان (Dualist) به دو اشکوبه بودن انسان تقلیل‌ناپذیری ذهن و بدن به یکدیگر و حذف‌گرایان به نقد باورهای عرفی و حذف واژه‌های ادبیاتی و عرفی (همچون عشق، امید، یاس و...) از میدان تن-ذهن باور دارند. این آخری، یعنی حذف/رفض‌گرایی (Eliminativism)، پای نقد ادبیات و زبان را به فلسفه ذهن باز می‌کند و از سیطره واژه‌های راكد ادبیات بر مباحث روانشناسی و شناخت می‌نالد.

دوگانگی ذهن و بدن بیش از آنکه در بادی امر به نظر می‌رسد، مفاهیم نو در علوم انسانی ایجاد می‌کند. مفاهیمی که از علوم انسانی راه به علوم زیستی، علوم انسانی سلامت و زیباشناسی برده است. از این منظر ده ملاحظه در پی می‌آید:

یکم- بدن‌آگاهی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از پدیدارشناسی (Phenomenology) تا اخلاق زیستی و علوم شناختی را در بر می‌گیرد. ادراک ما از بدن معنایی دوگانه است که آن را پدیده لمس‌کننده-لمس‌شونده نامیده‌اند.

هنگامی که پایمان را با دست لمس می‌کنیم تجربه‌ای از لمس در بیرون داریم اما هم‌زمان تجربه‌ای از لمس پا از درون هم احساس می‌شود؛ جالب است که دست ما هم این لمس دوگانه را احساس می‌کند. این امر یکی از ده‌ها معمای بدن‌آگاهی است که آگاهی و ناآگاهی ما نسبت به بدن را محک می‌زند. مباحث پدیدارشناسی بدن‌الگوهای مختلف بازنمایی بدن و مکان‌بندی بدن‌آگاهی (دوری و نزدیکی حس نامتعارف درد و فشار نسبت به محل فیزیولوژیک فشار در اندام‌ها و بخش‌های مختلف بدن) از جمله تاملات نظری مهم در بدن‌آگاهی است. تمایز میان بدن زیسته و بدن ابژکتیو در نمونه‌اشنایدر (Kurt Schneider) به‌خوبی نشان داده می‌شود. اشنایدر بیمار نمی‌تواند جای گزش پشه را مشخص کند اما در عین حال می‌تواند همان‌جا را بخاراند!

دوم- بدن‌آگاهی از منظری دیگر راه به زیباشناسی می‌برد مباحثی همچون شفقت بر خویشتن توجه به ارج‌گذاری حسی، خودسازی و خودمراقبتی آن‌گونه که در نظریه‌ی شاسترمن (Shusterman) آمده است، بنیانی نظری برای تلفیق زیباشناسی، بدن و حرکت می‌سازد. طراحی تنانه (Soma Design) از این‌رو در تقابل با طراحی سریع، آناتومیک و غیرزیباشناختی قرار می‌گیرد. نظر به تاریخ آناتومی در ایران، نشان می‌دهد که پیوند بسیاری میان طراحان و نقاشان معروف ایران همچون اساتید هاشمی و پتگر با گروه آناتومی دانشکده پزشکی وجود داشته است. جالب آنکه در دورانی مدیر گروه آناتومی دانشکده پزشکی یعنی دکتر نعمت‌اله کیهانی هم‌زمان مدیر گروه آناتومی دانشکده هنرهای زیبا بود.

سوم- روایت تن (اگر به تعریف قراردادی تن را ادغام ذهن و بدن در نظر بگیریم) در علوم پزشکی و زیستی در جهان جدید روزبه‌روز جایگاه جدی‌تری پیدا می‌کند. پزشکی روایی که در آن انسان به مشکلش، و بیمار به بیماریش فروکاسته نمی‌شود نمونه‌ای از این دست است. پزشکی روایی، پلی میان شواهد علمی پزشکی با طبابت است. به دیگر سخن پزشکی روایی در پی آن است تا روایتگری در پزشکی را از جایگاهی تزیینی برکشد و نقشی محوری به آن دهد. گویی مراقبت، شفابخشی و حتی درمان از مسیر روایتگری می‌گذرد. روایتی که بیمار برای پزشک می‌کند، روایتی که پزشکان برای یکدیگر می‌کنند و انگاره‌هایی که افراد پس از روایتگری از خود و دیگری به‌دست می‌آورند.

چهارم - پزشکی روایی (Narrative Medicine) در پیوندی مداوم و مداوم با پزشکی روان‌تنی (Psychosomatic) است تا جایی که گاه در برخی از رویکردها این دو را به‌جای یکدیگر به کار می‌برند. مکاتب مختلفی در پزشکی روان‌تنی وجود دارند. یک سوی طیف کسانی‌اند که رابطه تن و ذهن را صرفاً در برخی از بیماری‌های مشهور به بیماری‌های روان‌تنی (همچون بیماری روده تحریک‌پذیر، پسوریازیس و...) جستجو می‌کند. سوی دیگر طیف رویکردی فلسفی دارد و با رویکرد هستی‌شناختی و فلسفه‌های وجودی در پی یافتن کلیدهای ترجمه ذهن و بدن به یکدیگر است. از این منظر ذهن و بدن ادغام‌یافته‌اند، اما از زبان‌های متفاوت در بازنمود و بیانگری استفاده می‌کنند. پس این رویکرد بیش از آنکه به بیماری توجه کند، در پی معرفت‌شناسی (Epistemology)، پدیدارشناسی (Phenomenology)، زیباشناسی تنانه (Somaesthetics) و به کار گرفتن حوزه‌های مختلف علوم انسانی در پزشکی و روانشناسی است.

پنجم - نظریه‌ی طراحی تنانه برآمده از به‌کارگیری شقوق مختلف علوم انسانی در بدن‌آگاهی و تحلیل دوگانه‌ی ذهن و بدن است. طراحی تنانه از یک سو بر تجربه و حس مبتنا دارد و از سوی دیگر پدیدارشناسی و زیباشناسی را باهم می‌آمیزد. طراحی تنانه نتیجه‌ی سر به تو کردن طراح نیست بلکه انگاره‌های تن را در فرایندی تعاملی به‌دست می‌آورد؛ تصویری که من از خودم دارم، تصویری که دیگری از خودش دارد، تصویری که من از دیگری دارم، تصویری که دیگری از من دارد، تصویری که «فکر می‌کنم» دیگری از من دارد، تصویری که دیگری «فکر می‌کند» من از او دارم، تصویری که من «فکر می‌کنم» دیگری از خودش دارد و درنهایت تصویری که دیگری «فکر می‌کند» من از خودم دارم. این همه حاصل نمی‌آید مگر آن که آدمی را صیوریت فرض کنیم. به بیان دیگر انسان را مدام در حال شدن بینیم که نو به نو در حال روایت کردن و روایت شدن است. از این‌رو طراحی تنانه نیز، طراحی مستمر و مداوم است. از نظریاتی که مستعد ایستایی آدمی و طراحی‌اند در می‌گذرد. طراحی تنانه از این رو مستلزم تعامل، روایتگری و انضمامی دیدن انسان است.

ششم - درک فلسفه‌ی تکنولوژی برای طراحی امروز بیش از پیش ضروری شمرده می‌شود. نگاه ابزاری به تکنولوژی، فروگاشی است و البته طراحی را به‌تدریج از معنا تهی می‌کند. طراحی به‌مثابه‌ی تکنولوژی مستلزم آن است که تکنولوژی را

سیستمی اجتماعی-تکنیکی در نظر بگیریم و پیوندی مستمر و نقدانه میان زمینه‌های اجتماعی و ساحات مختلف فن‌آوری پیدا کنیم. طراحی تنانه از این منظر با مواد اجتماعی-دیجیتال (Sociodigital Materials) سروکار دارد که نتیجه‌ی رویکرد اجتماعی تکنیکی به تکنولوژی است.

تلاش دانشور گرانمایه جناب آقای مهدی مقیمی و همکارانشان در گفتمان‌سازی میان‌رشته‌ای در حوزه‌ی طراحی ایران، اصیل و ستودنی است. کتاب پیش رو نمونه‌ی موفقی است از رویکرد میان‌رشته‌ای به علوم زیستی، زیباشناسی، فلسفه، پدیدارشناسی و حتی روانشناسی. طراحی که جناب آقای مقیمی در طراحی ایران در انداخته‌اند بی‌تردید اثر و ثمر ماندگاری در سامان فرهنگی و زیباشناختی این دیار خواهد داشت.

دکتر حمیدرضا نمازی

عضو هیات علمی دانشکده پزشکی تهران

دانش‌آموخته پزشکی، فلسفه و روان‌تنی